

تبیین دستور کار همگرایی منطقه دریای خزر با تاکید بر وابستگی‌های متقابل

رضا سیمبر^۱

کیوان افشاریان^۲

افزایش کشورهای ساحلی دریای خزر به واسطه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پایان قرن بیستم و اهمیت مناطق به واسطه افول هژمونی ایالت متحده بر نظام بین‌الملل در ابتدای قرن بیست‌ویکم شرایط ظهور یک منطقه جدید با نام منطقه دریای خزر را فراهم کرده است. منطقه دریای خزر که از پنج کشور ساحلی تشکیل شده، دارای یک قدرت بزرگ، یک قدرت منطقه‌ای و سه قدرت محلی است. با توجه به اینکه این منطقه در نقطه اتصال قاره آسیا به اروپا قرار گرفته و منابع فراوانی را در خود جای داده، توجه بازیگران فرامنطقه‌ای به این منطقه معطوف شده است و این افزایش توجه می‌تواند، آینده منطقه را به سوی یک محیط آشوب زده سوق دهد. بنابراین مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که "چگونه می‌توان دستورکار همگرایی منطقه دریای خزر را مشخص نمود؟" در پاسخ به این پرسش از روش پژوهش ترکیبی-اکتشافی دو مرحله‌ای- استفاده شده است. در مرحله نخست با استفاده از منابع کتابخانه‌ای وابستگی‌های متقابل امنیتی کشورهای منطقه دریای خزر که بر روند همگرایی موثر است در پنج حوزه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی احصا شده است. در مرحله بعد با استفاده از گویه‌های احصا شده ابزار پرسش‌نامه تدوین و از نمونه ۲۴ نفر آشنا با مسائل منطقه، نظرسنجی به عمل آمده است. در انتها با تحلیل کمی پرسش‌نامه‌ها سیاست‌های سفلی از سیاست‌های علیا تفکیک و دستورکار همگرایی منطقه دریای خزر پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: منطقه دریای خزر، وابستگی متقابل امنیتی، سیاست علیا، سیاست سفلی و همگرایی منطقه‌ای.

^۱ نویسنده مسئول، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: Rezasimbar@hotmail.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: Keyvan.Afsharian@gmail.com

- این مقاله علمی _ پژوهشی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۸/۱۱/۱۰ و تاریخ پذیرش ۹۹/۲/۲۲

مقدمه

افزایش کشورهای ساحلی دریای خزر به واسطه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پایان قرن بیستم باعث گردید، جغرافیا سیاسی دریای خزر از یک بستر دو جانبه وارد یک محیط چند جانبه گردد. جمهوری‌های جدید در بدو استقلال درگیر فرآیند دولت-ملت‌سازی با مشی ملی‌گرایانه با استفاده از نشانه‌های زبانی و سرزمینی بوده‌اند.^۲ با ورود به قرن بیست‌ویکم این کشورها به دنبال مشارکت فعال‌تر در مباحث پیرامون دریای خزر برآمدند. تمایل کشورهای ساحلی به مشارکت فعال و افزایش توجه بازیگران فرامنطقه‌ای به واسطه اکتشاف و بهره‌برداری منابع گسترده انرژی باعث گردید، منطقه دریای خزر در سال‌های گذشته از پویایی خاصی برخوردار شود. از طرف دیگر، منطقه دریای خزر پل ارتباطی دو قاره آسیا و اروپا شناخته می‌شود. اجرای طرح یک جاده، یک کمربند^۳ با تبلیغات فراوان توسط جمهوری خلق چین و طرح راه گذر بین‌المللی شمال- جنوب^۴ که توسط جمهوری هندوستان حمایت می‌شود، رقابت این دو قدرت نوظهور آسیایی برای ارتقا جایگاه خود در نظم جهانی را در منطقه دریای خزر نشان می‌دهد.

پراکندگی منابع انرژی در منطقه و محصور بودن تعدادی از اعضا در خشکی شرایطی را به وجود آورده که دولت‌ها نمی‌توانند، بدون در نظر گرفتن منافع سایر بازیگران، منابع انرژی خود را به فروش رسانده و با امنیت به مشتریان خود تحویل دهند. گروه‌های جدایی طلب با ایجاد تهدیدهای امنیتی در مسیر انتقال نفت و گاز، تمامی کشورهای ساحلی این منطقه را در مسیر توسعه با حرکت‌های جدایی طلبانه و خرابکارانه تهدید می‌نمایند. موضوع دیگری که کشورهای این منطقه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، قاچاق مواد مخدر است. در سال ۲۰۱۰ توسط مسیر بالکان^۵ (افغانستان-پاکستان-ایران-ترکیه) و مسیر شمالی^۶ (افغانستان-آسیای مرکزی-روسیه) ۳۵ میلیارد دلار مواد مخدر به کشورهای اروپا غربی منتقل شده است (WDR, 2010). این

^۱. Nation-State

^۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص فرآیند دولت-ملت‌سازی در جمهوری‌های آسیای مرکزی مراجعه شود به:

- Massansalvador, F. S. (2010, June), "The Process of Nation Building in Central Asia and its Relationship to Russia's Regional Influence", *Jean Monnet/Rober Schuman Paper Series*, 10 (5).

^۳. One Belt One Road

^۴. International North-South Transport Corridor

^۵. Balkan Route

^۶. Northern Route

آمار باتوجه به اینکه سطح زیر کشت مواد مخدر در کشور افغانستان از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ بیش از دو برابر شده، بسیار افزایش یافته است (WDR, 2019). این موضوع هم برای کشورهای که در این مسیر واقع شده‌اند و هم برای کشورهای مقصد بحران‌هایی همچون، رشد گروه‌های تبهکاری و پول‌شویی در نظام بانکی را آفریده است. مدیریت این بحران‌های امنیتی، فقط از طریق همکاری تمامی کشورهای درگیر در بحران میسر است. این وابستگی امنیتی^۱ که کشورها را با همسایگان پیرامون خود پیوند می‌دهد در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برقرار است.

کشورها در این منطقه تنها از طریق همکاری‌های چند جانبه می‌توانند، بحران‌ها را مدیریت و از فرصت‌های موجود در منطقه استفاده نمایند. بررسی بحران‌های منشعب از موضوعات امنیتی و مدیریت آنها توسط کشورهای عضو منطقه دریای خزر می‌تواند جایگاه همگرایی و تمایل به همکاری‌ها را در میان اعضا نشان دهد. بحران ناگورنو-قره باغ، بحران چچن، بحران آب و انرژی در آسیای مرکزی، قاچاق مواد مخدر و آلودگی‌های زیست محیطی دریای خزر همگی بحران‌ها و مسائلی هستند که این کشورها نتوانسته‌اند تاکنون بروی نحوه مدیریت آنها توافق نمایند. بنابراین مشخص است، همگرایی و تمایل به همکاری در بین کشورهای منطقه دریای خزر در سطح مطلوبی قرار ندارد. در نتیجه این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چگونه می‌توان دستور کار همگرایی منطقه دریای خزر را مشخص نمود؟ برای پاسخگویی به این پرسش ابتدا موضوعات امنیتی کشورهای منطقه دریای خزر در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مشخص و سپس با تفکیک سیاست‌های علیا^۲ از سیاست‌های سفلی^۳ با رویکردی کارکردگرایانه^۴ موضوعاتی برای ارتقا همگرایی در بستر سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای پیشنهاد شده‌است. در این مقاله از روش پژوهش ترکیبی^۵ استفاده می‌شود، همچنین با توجه به اینکه مقاله در پی تبیین راه‌کارهای ارتقا همگرایی در منطقه دریای خزر است از طرح دو مرحله‌ای

^۱. Security Interdependence

^۲. High Politics

^۳. Low Politics

^۴. Functionalism

^۵. Mixed Methods Research

^۶. به کارگیری رویکردهای کمی و کیفی به صورت ترکیبی در مقایسه با به کارگیری هر یک از این دو روش به تنهایی به درک بهتری از پژوهش منجر می‌شود.

اکتشافی در روش‌های ترکیبی بهره گرفته می‌شود.^۱ در مرحله اول با مطالعه کتابخانه‌ای منابع اولیه (دکترین‌های نظامی، گزارش تحرکات نظامی در منطقه، هزینه نظامی کشورها، کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، تخمین ذخایر انرژی، خطوط انتقال انرژی، جمعیت، مذهب و ...) و منابع ثانویه منطقه دریای خزر (شامل تحلیل مراکز پژوهشی و پژوهشگران در زمینه الگوهای وابستگی متقابل امنیتی، الگوهای دوستی و دشمنی، روابط دو یا چند جانبه کشورها و ...) توصیف محیطی صورت گرفته است. در ادامه موضوعات امنیتی که وابستگی متقابل ایجاد نموده‌اند در پنج حوزه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی سازماندهی گردیده است. در مجموع ۳۸ گویه از این پنج حوزه به عنوان موضوعات امنیتی این منطقه احصا گردیده است. با استفاده از گویه‌ها، ابزار پرسش‌نامه بروی طیف لیکرت^۲ پنج گزینه‌ای طراحی و روایی اولیه پرسش‌نامه با اخذ نظر از پنج تن از اساتید آشنا به منطقه مورد تایید قرار گرفته است.^۳ در پرسش‌نامه ابتدا از پاسخ دهندگان خواسته شده نسبت به تایید یا رد موضوعات امنیتی احصا شده نظر خود را بدهند و سپس در صورت تایید میزان اهمیت موضوع را بروی طیف طراحی شده اعلام نمایند. در مرحله کمی به وسیله ابزار تهیه شده (پرسش‌نامه) به صورت هدفمند تا اشباع نظری اخذ نظر انجام گرفته است. سپس با توجه به حجم نمونه پرسش‌نامه‌ها به کمک نرم افزار تحلیل و وزن هر یک از موضوعات امنیتی مشخص گردیده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب اطمینان آلفای

^۱ این طرح بیشتر زمانی مفید واقع می‌شود که به دلیل مهیا نبودن ابزار پژوهشی پژوهشگر به تدوین و آزمایش چنین ابزاری نیاز دارد یا زمانی که متغیرها ناشناخته هستند و باید متغیرهای خود را شناسایی تا بتواند مطالعه خود را به صورت کمی انجام دهد. پژوهشگرانی که از این طرح استفاده می‌کنند، از مرحله کیفی به عنوان زیربنا برای ایجاد یک ابزار شناخت متغیرها یا شرح مواد ضروری برای محک زدن یک نظریه یا چارچوب جدید استفاده می‌کنند. ایجاد آنچه گفته شد موجب پیوند مرحله کیفی اولیه با مولفه کمی بعدی پژوهش می‌شود. از آنجایی که این طرح به صورت کیفی شروع می‌شود بیشتر بر داده‌های کیفی تاکید دارد (کرسول و پلانوکلاک، ۱۳۹۸).

^۲ Likert Scale

^۳ رنسیس لیکرت روانشناس آمریکایی در سال ۱۹۳۲ برای اندازه‌گیری نگرش یک گروه خاص نسبت به کمیت‌های مشخص شده، پرسش‌نامه‌ای را طراحی و ارائه کرد که در آن امکان امتیازدهی در یک طیف پنج سطحی فراهم شده بود. در روش اندازه‌گیری از طریق طیف‌بندی در مقیاس لیکرت نه تنها نوع نگرش موافق و مخالف هر پاسخ‌گو نسبت به متغیر مورد نظر با ابزار پرسش‌نامه مشخص شده، بلکه شدت احساس موافقت و مخالفت نیز قابل اندازه‌گیری خواهد بود. برای مطالعه بیشتر در زمینه طراحی پرسش‌نامه رجوع شود به:

- نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۵)، روش تحقیق پیشرفته، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

کرونباخ^۱ مورد سنجش و گویه‌هایی که معنادار نشده در پاسخ به سوال مقاله حذف گردیده است.^۲ در بخش نتیجه‌گیری با توجه به وزن گویه‌ها موضوعات امنیتی منطقه دریای خزر به سیاست‌های علیا و سیاست‌های سفلی تفکیک و دستورکار ارتقا همگرایی بر پایه سیاست‌های سفلی در قالب سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای پیشنهاد گردیده است.

توزیع فراوانی شغلی پاسخگویان

شغل	فراوانی	درصد
استاد دانشگاه	۱۰	۴۱,۷
مدیر نظامی	۶	۲۵,۰
کارشناس	۲	۸,۳
استاد دانشگاه و مدیر دولتی	۳	۱۲,۵
استاد دانشگاه و مدیر نظامی	۳	۱۲,۵
کل	۲۴	۱۰۰,۰

(منبع: نویسندگان)

مبانی نظری

تمامی نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای^۳ را می‌توان بر اساس دو معیار و متغیر هستی‌شناسی^۴ و معرفت‌شناسی^۵ طبقه بندی کرد. از نظر هستی‌شناختی، نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی از نظریه‌ها همگرایی، منطقه را فرایندی تصور و تلقی می‌کنند که ویژگی‌ها و خاصه‌های موجود کشورهای عضو و نظام بین‌دولتی را که جزئی از آن هستند، بازتولید می‌کند. بعضی دیگر از نظریه‌ها، همگرایی و منطقه‌ای را فرایندی می‌پندارند که سرشت ماهیت این بازیگران ملی، دارای حاکمیت و روابط آنها با یکدیگر را دگرگون می‌سازد. به لحاظ معرفت‌شناسی نیز در جمع‌آوری اسناد و

^۱. Cronbach's Alpha

^۲. بهترین روش محاسبه اندازه سازگاری درونی استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است. این روش که بر مبنای هماهنگی و سازگاری سوالات پرسش‌نامه استوار است، از طریق واریانس هر سوال و واریانس مجموع سوالات به دست می‌آید (نوبخت، ۱۳۹۵: ۹۴).

^۳. Regional Integration Theory

^۴. Ontology

^۵. Epistemology

مدارک برای پایش و ارزیابی این روندها بعضی از نظریه‌های همگرایی منطقه به طور عمده بر رخدادهای سیاسی حاد و مهم تاکید می‌ورزند در حالی که برخی دیگر از آنها مبادلات و ارتباطات مستمر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را مورد تاکید قرار می‌دهند.

بحث دیگری که در ارتباط با نظریات همگرایی منطقه‌ای گفته می‌شود، اروپا محور بودن این نظریات است. درست است که اروپا اولین تجربه همگرایی را در روابط بین‌الملل رقم زده است، اما طرفداران تصویر منطقه‌مدار از سیاست جهان، منطقه‌گرایی امروزی را اساسا متفاوت با منطقه‌گرایی ۵۰ سال گذشته می‌دانند. آنان معتقد هستند از اواخر دهه ۸۰ میلادی جهان شاهد تقویت اساسی نهادهای منطقه‌ای موجود و تشکیل تعداد چشمگیری از اتحادیه‌های منطقه‌ای جدید میان دولت‌ها بوده است. برخلاف اروپا که در آن نوعی یک کاسه‌شدن حاکمیت رخ داده است در طرح‌های منطقه‌ای آسیا، آفریقا، آمریکای جنوبی، جنوب اقیانوس آرام و خاورمیانه شاهد نوع متفاوتی از منطقه‌گرایی بوده‌ایم. نوع نیم‌بندتری از همبودها که در آن به طور کلی تنها دولت‌ها یا نخبگان دولتی مشارکت دارند. هدف منطقه‌گرایی غیرغربی تقویت قدرت حکومت‌های ملی است و نه تضعیف آن. به طوری که برخی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای تقریبا آشکارا هیچ‌گونه دعوی همبستگی ندارد. نمونه‌جا افتاده و قدیمی این‌ها آسیای جنوبی و گروه‌بندی منطقه‌ای آن اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری منطقه‌ای^۱ است (فرای و اوهیگن، ۱۳۹۴: ۲۱۹-۲۲۳).

در یک نتیجه‌گیری کلی از نظریات همگرایی منطقه‌ای، می‌توان بیان داشت، دولت‌های ملی بر اساس منافع ملی خود مسیر، عمق و گستره همگرایی و حوزه اختیارات و صلاحیت‌های نهادهای منطقه‌ای را تعریف و تعیین می‌کند. از این رو، سرنوشت همگرایی منطقه‌ای وابسته به محاسبه هزینه-فایده اعضای آن است. همگرایی منطقه‌ای تا زمانی که تامین‌کننده منافع ملی اعضا است تداوم، توسعه و تعمیق خواهد یافت. از این رو، چارچوب مفهومی که مقاله حاضر برای همگرایی منطقه دریای خزر در نظر دارد از نظریه نوکارکردگرایی^۲ اقتباس شده است. یکی از دلایلی که از این نظریه استفاده می‌شود این است که نوکارکردگرایی به دنبال نوعی از همگرایی است که منطقه را مبنا قرار داده و همگرایی را وابسته به فرآیندهای جهانی شدن نمی‌نماید. بدین ترتیب که همگرایی برآمده از درون منطقه

^۱. South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

^۲. Neo-Functionalism

می‌تواند، موافق یا مخالف جریان مستقر در سطح جهانی که همان هژمونی ایالات متحده آمریکا است، باشد. از دلایل دیگر انتخاب این نظریه این است که در فرآیند همگرایی بیشتر توجه را به سیاست‌های سفلی معطوف کرده و از این طریق ترتیبات تقویت و حفظ حاکمیت ملی را فراهم می‌نماید.

همچنانکه از نام آن مستفاد می‌شود، نوکارکردگرایی شکل جدیدی از کارکردگرایی است. در واقع، هر دو نظریه بر مبنای این دیدگاه استوار هستند که همگرایی به بهترین وجه از حوزه‌های مربوط به منافع همپوش و مشترک و به صورت تدریجی آغاز می‌شود که به این نوع برخورد گاه همگرایی بخشی^۱ گفته می‌شود (قوام، ۱۳۹۴: ۴۹-۵۹). مهم‌ترین مفهوم در فرآیند توسعه همگرایی منطقه‌ای، انشعاب یا تسری^۲ است. دو نوع انشعاب یا تسری امکان پذیر است. در شکل نخست، همگرایی از یک بخش به بخش دیگر سرایت می‌کند. در دومین شکل، همگرایی از حوزه‌ها و مسائل اقتصادی به حوزه سیاسی به طور خودکار و بدون دخالت حکومت‌ها صورت می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۰۰).

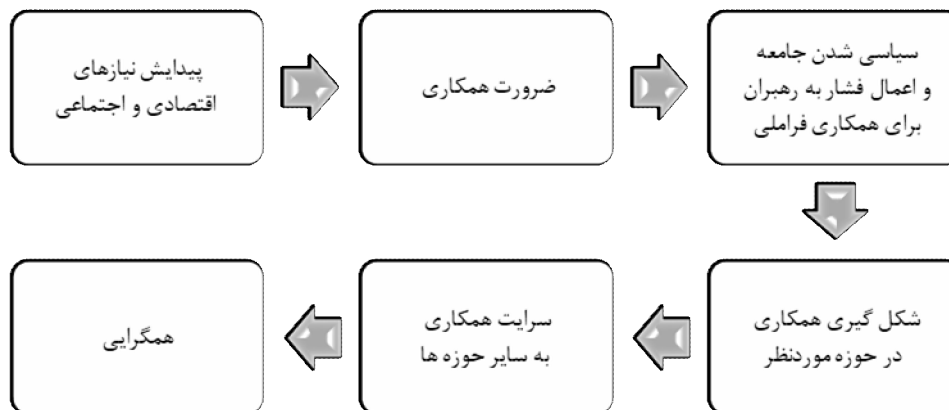
رویکرد نوکارکردگرایی به میزان قابل توجهی مرهون کارهای ارنست هاس^۳ است. وی بر این باور بود که بسیار دشوار است که مسائل فنی را از مسائل سیاسی تفکیک کرد یا از تعارض میان دولت‌ها در صورتی که منافع حاصل از همکاری به صورت نامساوی میان آنها توزیع شود، اجتناب ورزید. تحت این شرایط ضروری است به تاسیس یک سلسله نهادهای رسمی مبادرت کرد تا توافقات حاصل میان دولت‌ها را اجرا کند. برای آنکه دستگاه‌های مزبور از کارایی بالایی برخوردار گردند، ضروری است که به نحوی، دارای استقلال عمل نسبت به حکومت‌های ملی خویش باشند. همچنین مجموعه این فرآیندها در شرایطی ممکن است به نحو مطلوب عمل کند که دولت‌های عضو حکومت قانون و اصل تصمیم‌گیری اکثریت را پذیرا باشند. در این روند، مسائلی چون جامعه‌پذیری و آموزش تشریک مساعی در میان نخبگان سیاسی ضروری بوده و همچنین تلاش و میزان توانایی کارآفرینان سیاسی و متخصصان فنی برای حل مسائل مشترک تعیین کننده است (قوام، ۱۳۹۴: ۵۱).

1. Sector Integration

2. Spill-Over

3. Ernet B. Haas

روند همگرایی از دیدگاه ارنست هاس



(قاسمی، ۱۳۹۴: ۵۶)

ابعاد وابستگی متقابل در منطقه دریای خزر

منطقه دریای خزر از پنج کشور ساحلی این دریا که عبارت از جمهوری آذربایجان از حوزه قفقاز، جمهوری‌های ترکمنستان و قزاقستان از حوزه آسیای مرکزی، فدراسیون روسیه به عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی و یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت و گاز جهان در شمال و جمهوری اسلامی ایران در جنوب با ذخایر عظیم نفت و گاز و صنایع نفتی که مسیر ارزان و کوتاه برای انتقال منابع به شمار می‌رود، تشکیل می‌شود. در این راستا با توجه به اینکه این پنج کشور در کنار بستر مشترک دریای خزر قرار دارند برای یافتن موضوعات موثر بر روند همگرایی در این منطقه با بررسی محیطی در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی الگوی وابستگی متقابل کشورها با یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- وضعیت نظامی جمهوری آذربایجان در منطقه دریای خزر؛ این کشور در سال ۲۰۱۰ دکترین نظامی جدیدی منتشر نمود که علاوه بر تاکید بر توسعه ادوات نظامی، تاکتیک‌های جنگی و زیرساخت‌های سایبری، تهدیدهای بالقوه‌ای را که امکان بالفعل گردیدن آنها در سال‌های آتی وجود دارد، مشخص نموده است. در این دکترین نظامی، فعالیت گروه‌های افراطی و جدایی طلب مهم‌ترین تهدید بالقوه شناسایی و ذکر شده که این گروه‌ها می‌توانند با

اجرای عملیات خرابکارانه در اماکن نظامی و مهم دولتی زیرساخت‌های ارتباطی، خطوط انتقال انرژی و امنیت کشور را با چالش مواجه کنند (دکترین نظامی جمهوری آذربایجان، ۲۰۱۰). جمهوری آذربایجان پس از استقلال با تکیه بر کمک‌های ایالات متحده آمریکا و امضا قراردادهای نظامی با این بازیگر فرامنطقه‌ای از ناوگان نظامی قابل توجه‌ای برخوردار شده است. از این‌رو، جمهوری آذربایجان در سال‌های گذشته بیش از سایرین زمینه ورود بازیگران فرامنطقه‌ای به خزر را فراهم و در حال حاضر با حرکت به سمت عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۱ (ناتو) به دنبال پیچیده کردن معادلات امنیتی در منطقه است (شیخ الاسلامی و حسینی و شیراوند، ۱۳۹۴: ۱۳۲). تاریخ روابط جمهوری آذربایجان با ناتو به سال ۱۹۹۲ بازمی‌گردد، زمانی که جمهوری آذربایجان به همراه تعدادی از کشورهای اروپایی به شورای همکاری آتلانتیک شمالی^۲ پیوست. پس از آن در ۱۹۹۴ جمهوری آذربایجان به برنامه مشارکت برای صلح^۳ به رهبری ناتو ملحق شد، این کشور داخل این چارچوب همکاری در دیگر سازوکارهای مشارکتی ناتو همچون برنامه مشارکت فردی^۴، فرآیندهای برنامه ریزی و بازنگری مسائل نظامی و سایر برنامه‌های آموزشی در امور دفاعی و امنیتی^۵ مشارکت می‌نماید. وزارت دفاع جمهوری آذربایجان، هدف از شرکت در این سازوکارها را توسعه اسناد استراتژیک این کشور با استفاده از استانداردها و برنامه‌های آموزشی این سازمان بیان کرده است (MODORA, 2020).

جمهوری آذربایجان ۳,۷۷ درصد از تولید ناخالص ملی خود را در سال ۲۰۱۸ صرف هزینه‌های نظامی کرده است که در این سال در بین کشورهای جهان در رتبه شانزدهم قرار گرفته است (CIAFB, 2020). هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان با توجه به اطلاعات منتشر شده در سری کتاب‌های موسسه بین‌المللی مطالعات صلح استهکلم^۶ از سال ۲۰۰۵ به شدت رو به افزایش گذاشته است. البته وابستگی اقتصاد این کشور به نفت هزینه‌های نظامی را تابعی از قیمت نفت در ادوار مختلف کرده، به طوری که افت قیمت نفت در سال ۲۰۱۴ با کاهش هزینه‌های نظامی این کشور همراه شده است.

¹ North Atlantic Treaty Organization

² The North Atlantic Cooperation Council (NACC)

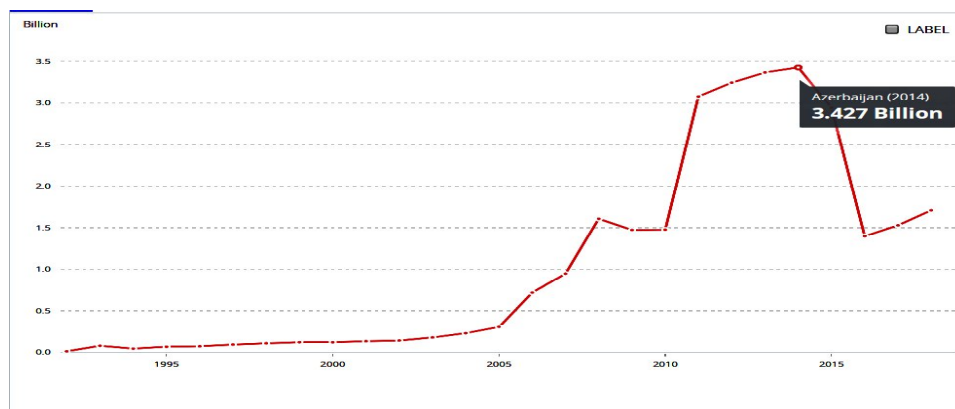
³ Partnership for Peace (PFP)

⁴ Individual Partnership Action Plan (IPAP)

⁵ Defence Education Enhancement Programm (DEEP)

⁶ Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

هزینه‌های نظامی جمهوری آذربایجان از ۱۹۹۰-۲۰۱۸



(WBD, 2020)

-وضعیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه دریای خزر؛ ایران پس از امضا معاهده با امپراتوری تزاری در سال ۱۸۲۸ تمام کنترل خود بر دریای خزر را از دست داد و از حفظ امورات نظامی ممنوع گردید. این ممنوعیت طی امضا معاهده مودت با مسکو در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیز تجدید شد، اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی زمینه برای آزادی و رهایی ایران فراهم گردید. در اوایل دهه ۹۰ میلادی نیروهای نظامی ایران به دلیل جنگ با عراق و خاتمه همکاری با خدمه آمریکایی و بریتانیایی تضعیف شده بودند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران نوسازی در نیروی نظامی دریایی را در مقیاس وسیع شروع کرد. بر این اساس کشتی نظامی وارشاونیکا^۱ از روسیه خریداری شد و کارکنان ایرانی برای آموزش به آکادمی‌های روسیه فرستاده شدند. همچنین جمهوری اسلامی ایران با خرید از چین، روسیه و کره شمالی در دهه ۹۰ میلادی و دهه نخست قرن بیست و یک، خود را با کشتی‌های ضد موشک، زیردریایی و کشتی‌های شناور قادر به تحرک در حوزه دریای خزر، خلیج فارس و اقیانوس هند، گرداند (Laruelle and Peyrouse, 2009:24-25). بنابراین منطقه دریای خزر برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک منطقه آموزشی از پویایی بهره‌مند گردیده است.

جمهوری اسلامی ایران با آنکه بخش اعظم نیروی دریایی خود را در منطقه مهم خلیج فارس مستقر نموده است در دریای خزر نیز پس از فدراسیون روسیه در جایگاه دوم از منظر قدرت

^۱. Varshavianka

دریایی قرار دارد. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به همراه واحدهای دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سه پایگاه در جنوب دریای خزر مستقر هستند که محل فرماندهی آنها در بندر انزلی قرار دارد. عدم استفاده از ناوهای بزرگ یکی از ویژگی‌های نیروی دریایی ایران در منطقه خزر است. جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر از ناوچه‌های سریع‌السیر خود - به اصطلاح ناوگان پشه‌ای - مسلح به موشک‌های کوتاه برد بهره می‌برد. جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۳ پیوسته رزمایش‌هایی ترتیب داده که طی آنها حفاظت از مسیرهای دریایی و تجاری، تاسیسات ساحلی نظامی و غیر نظامی تمرین می‌شود (مالیشوا، ۲۰۱۹).

جمهوری اسلامی ایران به هر نوع حضور کشورهای غیر ساحلی در دریای خزر اعتراض دارد. از منظر جمهوری اسلامی ایران، دادن نقش بیشتر به آمریکا در مناسبات سیاسی و نظامی دریای خزر از سوی کشورهای حاشیه این دریا می‌تواند با دامن زدن به رقابت تسلیحاتی بین کشورهای منطقه امنیت کشورهای ساحلی این دریا را با تهدیدهای جدی مواجه سازد. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده تا علاوه بر ممنوعیت حضور کشتی‌های جنگی کشورهای دیگر در دریای خزر، ممنوعیت حضور نیروهای مسلح هر کشور غیر از کشورهای ساحلی در منطقه دریای خزر را در ماده سوم کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر^۱ بگنجانند.

- وضعیت نظامی جمهوری ترکمنستان در منطقه دریای خزر؛ قربان‌قلی محمداف^۲، رئیس‌جمهور ترکمنستان در سال ۲۰۰۹ برنامه ایجاد نیروی دریایی را به جریان انداخت. وی در آن زمان اعلام کرد، "ما همانند دیگر کشورهایی که به دریا دسترسی دارند، نیازمند کشتی‌های هستیم که با گشت‌زنی امنیت مرزهایمان را حفظ کرده و با تهدیدهایی همچون تروریسم، جرایم سازمان یافته و قاچاق مواد مخدر مبارزه نمایند". همچنین بردی محمداف به صلح آمیز بودن این برنامه اشاره می‌کند و می‌گوید، "ترکمنستان هیچ ادعای ارضی نسبت به هیچ کشوری نمی‌کند و یا هیچ کشوری را دشمن خود نمی‌داند" (Muzalevsky, 2010).

از طرفی، جمهوری ترکمنستان در میان کشورهای ساحلی دریای خزر از قوه نظامی ضعیف‌تری برخوردار است. در این راستا در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد این کشور به دنبال تقویت نیروهای دفاعی خود بوده است. دکترین نظامی دیگری در سال ۲۰۱۶ توسط رئیس‌جمهور ترکمنستان ابلاغ شده، اگرچه بر مشخصات صرفاً دفاعی آن نیز بار دیگر تأکید شده

¹. Convention on the Legal Status of the Caspian Sea

². Gurbanguly Berdimuhamedov

است. اهداف کلی این سند عبارت است از ایجاد مفهوم جدید امنیت در حاکمیت، توسعه و نوسازی نیروهای مسلح، تسلط در استفاده از تجهیزات و جنگ افزارهای جدید، به‌سازی پایگاه‌های نظامی قدیمی و احداث پایگاه‌های جدید. از نکات دیگر موجود در این سند توجه ویژه به روندهای آموزشی در موسسات و مراکز دفاعی این کشور است (SNAT, 2019).

وضعیت نظامی جمهوری قزاقستان در منطقه دریای خزر؛ جمهوری قزاقستان مالک پنج بندر در حوزه دریای خزر است ولی هیچکدام از آنها در دوره اتحاد جماهیر جماهیر شوروی به نیروی دریایی مجهز نبودند. مقامات قزاقستان در سال ۱۹۹۴ و بعد از امتناع از اختصاص ناوگان اتحاد جماهیر شوروی به این کشور اعلام کردند، آنها نمی‌خواهند بیش از این تحت حمایت نیروی دریایی روسیه باقی بمانند و تمایل دارند که نیروی دفاعی دریایی خودشان را بسازند. در بندر آکتائو^۱ برخی از مولفه‌های نوسازی وجود داشت و این بندر پایگاه اصلی نیروی دریایی قزاقستان به شمار می‌رود (Laruelle and Peyrouse, 2009:26). در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ جمهوری قزاقستان اولین بودجه برای تاسیس نیروی دریایی را تصویب نمود. اگرچه که این کشور در همان زمان اعلام کرد این اقدام برای تهدید کشورهای منطقه نخواهد بود، اما بحث بر سر تعیین مرز دریایی و رژیم حقوقی این دریا به همراه منابع نفت و گاز موجب شد که قزاقستان نسبت به تحركات نظامی سایر کشورهای حوزه خزر بی‌تفاوت نماند (شیخ الاسلامی و حسینی و شیراوند، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۳۸).

جمهوری قزاقستان در دکترین نظامی ۲۰۱۱ بیشترین تاکید را بر روی مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم قرار داده بود، اما در دکترین ۲۰۱۶ کاهش مقیاس درگیری طی مرزها و مسائل مرتبط با جغرافیای سیاسی این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. در این سند مفاهیمی همچون مواجهه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای کسب نفوذ در منطقه، مسابقه تسلیحاتی و افزایش تنش‌ها و نظامی شدن منطقه به مسکو نسبت داده شده است. همچنین استفاده از مفهوم جنگ ترکیبی^۲ در این سند را می‌توان به اتفاق‌های شرق اوکراین منتسب نمود. رئیس‌جمهور نورالسلطان نظربایف^۳ قبل از تصویب این سند تاکید کرده بود که مردم قزاقستان نمی‌خواهند سناریوی اوکراین در کشورشان اتفاق بیافتد و هشدار داد که با هر طرفی که برای ایجاد این

^۱. Aktau

^۲. Hybrid War

^۳. Nursultan Äbishuly Nazarbayev

رخداد تلاش کند برخورد جدی خواهد کرد. در دکترین جدید بر تهدیدهایی که متوجه منابع نفت و گاز قزاقستان در دریای خزر است نیز تاکید شده است (Gussarova, 2017).

- وضعیت نظامی فدراسیون روسیه در منطقه دریای خزر؛ نیروی دریایی روسیه در دریای خزر را پتر کبیر در سال ۱۷۳۲ در آستراخان تاسیس کرد. انقلاب ۱۹۱۷ با تغییر جایگاه سیاسی-نظامی نیروی دریایی تزاری در دریای خزر همراه شد. در شرایط انقلابی موقعیت راهبردی دریای خزر اهمیت ویژه‌ای یافت. مسکو در پی آن بود که همچنان قدرت نظامی برتر در دریای خزر باقی بماند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هم روسیه توانایی ناوگان خود را در دریای خزر ارتقا بخشیده است (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۲: ۲۶۵-۲۶۷).

تا پیش از بحران اکرین در سال ۲۰۱۴ متخصصان نظامی در کاخ کرملین قصد داشتند طی یک برنامه دو مرحله‌ای قدرت نظامی این کشور را از اروپای مرکزی و جمهوری‌های بالتیک به سمت ترکیه و ایران بکشانند تا از قلمرو نظامی شمال قفقاز^۱ برای فدراسیون روسیه که پلی بین دریای سیاه و دریای خزر به وجود می‌آورد، در بازی جدید سیاسی نقطه حساسی بسازند (امیراحمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۸). اما در پی تحولات اکرین و تهدید گسترش ناتو به شرق فدراسیون روسیه در اسناد امنیتی و نظامی خود تجدید نظر کرد به طوری که راهبرد امنیت ملی و دکترین نظامی را که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ تدوین شده بود را در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ مورد تجدید نظر قرار داد. این تغییرات منجر به گسترش زیر ساخت‌های فرماندهی ناحیه جنوبی روسیه گشت. این فرماندهی که جنوب و غرب روسیه را پوشش می‌دهد شامل قفقاز شمالی، دریای سیاه، دریای خزر و کریمه^۲ می‌شود (Kuimova and Wezeman, 2018). ناو تیپ خزر^۳ در سال ۲۰۱۷ بیش از ۷۰۰ رزمایش برای مبارزه با تروریسم در دریای خزر انجام داده است. وزارت دفاع روسیه قصد دارد تا پایان سال ۲۰۲۰ استحکامات بندر نظامی کاسپیسک^۴ را به اتمام برساند. تاسیسات جدید در این بندر برای استقرار کشتی‌های بزرگ و مجهز به سلاح‌های با دقت بالا طراحی شده است (Aliyev, 2017).

^۱ North Caucasus Military District (NCMD)

^۲ Crimea

^۳ Caspian Fotilla

^۴ Kaspiisk

رتبه‌بندی قدرت نظامی کشورهای منطقه دریای خزر

ردیف	کشور	رتبه و توان واقعی نظامی
۱	فدراسیون روسیه	۲
۲	جمهوری اسلامی ایران	۱۴
۳	جمهوری قزاقستان	۶۳
۴	جمهوری آذربایجان	۶۴
۵	جمهوری ترکمنستان	۷۷

(GFP, 2020)

وابستگی‌های متقابل در حوزه نظامی و روند همگرایی منطقه

جهت	موضوعات امنیتی نظامی	میزان تاثیر بر روند همگرایی
تضعیف کننده روند همگرایی	افزایش هزینه نظامی کشورهای ساحلی	۴
	عدم موازنه پایدار تسلیحاتی	۳,۹۱
	اجازه استقرار نیروهای نظامی فرامنطقه‌ای در کشورهای منطقه	۴,۷۹
	اجازه تاسیس پایگاه نظامی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای	۴,۷۹
تقویت کننده روند همگرایی	اجرای رزمایش مشترک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آب‌های خزر ^۱	۴,۴۶
	تشکیل نیروی انتظامی مشترک برای حفظ نظم و امنیت دریایی ^۲	۴,۵۴
	برگزاری مسابقات ورزشی ارتش‌های کشورهای ساحلی ^۳	۳,۵۷

(منبع: نویسندگان)

^۱ مانور مشترک جمهوری آذربایجان و ناتو در دریای خزر که قرار بود در تاریخ ۱۴ الی ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ برگزار گردد، اما قبل از برگزاری متوقف گشت.

^۲ طرح کاسفور (CasFor). وظیفه این نیروهای مشترک مقابله با تهدیدهای مشترک از جمله تروریسم، جرایم سازمان یافته، انواع قاچاق و مهاجرت غیر قانونی است. این نیروها گشت‌های دریایی متناوب داشته و رزمایش‌های مشترک برگزار خواهد کرد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

- Socor, V. (2005), Russia Pressing for Exclusionary Naval Grouping in Caspian Sea, *Eurasia Daily Monitor*, 2 (198).

^۳ در سال ۲۰۱۹ پنجمین دوره رقابت‌های نظامی جام دریا در آب‌های دریای خزر به میزبانی جمهوری آذربایجان برگزار شده است. هدف برگزاری این مسابقات از طرف برگزار کنندگان ایجاد فضای صمیمی در بین کشورها و چگونگی مبارزه با تروریسم و دیگر تهدیدها در دریای خزر بیان شده است.

حوزه سیاسی در منطقه دریای خزر؛ در بررسی حوزه سیاسی روابط کشورهای منطقه دریای خزر باید به تاثیر بازیگران فرامنطقه‌ای و تأثیر سطح نظام بین‌الملل بر منطقه توجه نمود. از این‌رو برای تحلیل سیاست‌های فعال در منطقه دریای خزر نظام منطقه‌ای این حوزه را باید به سه بخش اصلی تقسیم نمود. الف) بازیگران بخش مرکزی^۱ شامل جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه، جمهوری آذربایجان، جمهوری قزاقستان و جمهوری ترکمنستان، ب) بازیگران بخش مداخله‌گر^۲ شامل ایالات متحده آمریکا، اروپا اعم از اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، هند و ژاپن، پ) بازیگران بخش پیرامونی^۳ شامل کشورهای هم‌چون ترکیه و چین.

نظام منطقه‌ای دریای خزر، شامل پنج دولت ساحلی است که به عنوان بازیگران بخش مرکزی در محیطی که اصل رقابت بر آن حاکم است با یکدیگر در ارتباط هستند. در سلسله مراتب قدرت در دریای خزر با یک قدرت بزرگ (فدراسیون روسیه) روبه‌رو هستیم. بعد از فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی ایران در این منطقه دارای بیشترین قدرت است. ایران پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به صورت مستقیم وارد مخالفت با سیاست‌های غرب در منطقه و جهان شده و در طی نزدیک به دو دهه اخیر توانسته است خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به منطقه و جهان بقبولاند. بعد از جمهوری اسلامی ایران، قزاقستان قرارداد، این جمهوری با آنکه از نظر وسعت سرزمینی شاخصه بالایی را در کسب قدرت جهانی داراست، اما به دلیل داشتن تنگناهای جغرافیایی-سیاسی و تراکم پایین جمعیت نتوانسته آنگونه که شایسته است در سلسله مراتب قدرت قرار گیرد. قزاقستان طی ربع قرن اخیر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره سعی نموده تا در کنار فدراسیون روسیه به عنوان یک متحد استراتژیک باقی بماند، اما تحولات اکرین باعث گردید این کشور پس از سال ۲۰۱۴ نسبت به روابط خود با فدراسیون روسیه محتاط عمل نماید. کشور بعدی، جمهوری آذربایجان است که به دلیل انزوا در بن‌بست جغرافیایی سیاست متمایزی در تحولات منطقه‌ای در پیش گرفته است. جمهوری آذربایجان به دلیل ترس از سیطره مجدد روس‌ها بر این کشور از یک طرف و از طرف دیگر گرایش افکار عمومی مردم این کشور به جمهوری اسلامی ایران در قالب یک کشور شیعی و

1. Core Sector

2. Intruder Sector

3. Peripheral Sector

همچنین افزون بودن تعداد آذری زبان‌های ایران بر تعداد جمعیت این کشور تمایل بیشتری را از خود برای ارتباط با بازیگران بخش پیرامونی و مداخله‌گر نشان می‌دهد (کریمی‌پور و متقی و امیراحمدیان و محمدجانی، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۲۱۵). در سلسله مراتب قدرت در دریای خزر آخرین کشوری که مورد اشاره قرار می‌گیرد، جمهوری ترکمنستان است. ترکمنستان بر اساس منطق رقابت حاکم بر روابط بین‌الملل سعی نموده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سیاست بی‌طرفی^۱ را در پیش بگیرد. بر اساس این سیاست، ترکمنستان خود را کشوری بی‌طرف اعلام نموده تا از گزند مناقشات منطقه دور بماند.

در ارتباط بازیگران پیرامونی و مداخله‌گر با بازیگران بخش مرکزی مخصوصاً جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته، نباید به گونه‌ای تصور شود که این کشورها در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های داخلی و خارجی استقلال عمل ندارند. جمهوری آذربایجان پس از جمهوری ازبکستان (۱۹۹۳) و جمهوری ترکمنستان (۱۹۹۵) سومین جمهوری تازه استقلال یافته‌ای بود که در تاریخ سوم می ۲۰۱۱ به عضویت کامل جنبش غیرمتعهدها^۲ درآمد. حتی قبل‌تر از آن در سال ۱۹۹۱ حیدر علی‌اف^۳، رئیس‌جمهور وقت طی مصاحبه‌ای تأکید می‌نماید، جمهوری آذربایجان نمی‌خواهد، قربانی سیاست خارجی کشورهای دیگر باشد (Strakes, 2015:2).

شاید بهترین موضوع برای بررسی استقلال عمل این کشورها رژیم حقوقی دریای خزر باشد. کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر که در سال ۲۰۱۸ در آکتائو قزاقستان منعقد گردید اولین قدم تمامی اعضا برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. با توجه به اینکه در این کنوانسیون کشورهای ساحلی نسبت به تعیین حدود این دریا به توافق جامعی دست نیافتند، اما اجماع بر سر موضوعاتی همچون متفاوت بودن رژیم حقوقی دریای خزر با حقوق دریاها، عدم حضور نیروهای مسلح کشورهای غیر ساحلی و در اختیار قرار ندادن قلمرو به سایر دولت‌ها برای ارتکاب تجاوز و سایر اعمال بر علیه کشورهای ساحلی می‌تواند تا حدودی استقلال این منطقه را از فشارهای فرامنطقه‌ای و سیستمی مشخص نمایند (کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، ۱۳۹۷: ماده ۳).

^۱. Neutrality Policy

^۲. Non-Aligned Movement

^۳. Heydar Aliyev

وابستگی‌های متقابل در حوزه سیاسی و روند همگرایی منطقه

جهت	موضوعات امنیتی سیاسی	میزان تاثیر بر روند همگرایی
تضعیف کننده روند همگرایی	ایجاد جزایر مصنوعی و تاسیسات دور از ساحل ^۱	۴,۰۵
	تعیین حدود آب‌های سرزمینی با توافقات دوجانبه ^۲	۳,۷۸
	نقش تسهیل کننده ترکیه برای اجرای سیاست‌های غرب در خزر	۳,۷۱
تقویت کننده روند همگرایی	اختلافات مرزی و تقسیم آب و انرژی بین کشورهای منطقه	۴,۳۶
	پیگیری کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر ^۳	۴,۷۵
	تنظیم قوانین ترافیک دریایی	۳,۹۶
	مبارزه با تروریسم بین المللی ^۴	۴,۲۹
	مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اسلحه	۴,۳۰

(منبع: نویسندگان)

مسئله انرژی در حوزه اقتصادی منطقه دریای خزر؛ تخمین ذخایر نفت زیر بستر این دریا از ۲۰ تا ۳۰ میلیارد بشکه شروع و به ۲۰۰ میلیارد بشکه می‌رسد. اما در سال ۲۰۱۳ سازمان اطلاعات انرژی آمریکا^۵ آخرین تخمین از منابع موجود در دریای خزر را ارائه داده است که نمایانگر کاهش ذخایر نسبت به قرن نوزدهم است.

^۱. ماده ۷ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: تاسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی نباید به عنوان تاسیسات دائمی بندری محسوب شوند.

^۲. ماده ۸ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: تعیین حدود بستر و زیربستر دریا باید از طریق توافق بین کشورها با سواحل مجاور و مقابل صورت گیرد.

^۳. در ماده ۱۹ وضعیت حقوقی دریای خزر طرف‌ها به منظور تضمین اجرای موثر کنوانسیون و بررسی همکاری‌ها در دریای خزر باید حداقل یک بار در سال به طور چرخشی در یکی از کشورهای ساحلی تشکیل جلسه دهند.

^۴. ماده ۱۷ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: طرف‌ها باید به منظور مبارزه با تروریسم بین‌المللی و تامین مالی آن، قاچاق اسلحه، مواد مخدر، مواد روانگردان و پیش‌سازهای آن‌ها، همچنین صید غیر مجاز و پیشگیری و مقابله با قاچاق مهاجران از طریق دریا و سایر جرایم در دریای خزر با یکدیگر همکاری کنند.

^۵. U.S. Energy Information Administration (EIA)

ذخایر ثابت و محتمل دریای خزر

کشور	نفت خام (میلیارد بشکه)	گاز طبیعی (تریلیون فوت مکعب)
جمهوری آذربایجان	۸,۵	۵۱
جمهوری اسلامی ایران	۰,۵	۲
جمهوری قزاقستان	۳۱,۲	۱۰۴
فدراسیون روسیه	۶,۱	۱۰۹
جمهوری ترکمنستان	۱,۹	۱۹
مجموع	۴۸,۲	۲۸۵

(EIA, 2013:9)

منابع بیولوژیک در حوزه اقتصادی منطقه دریای خزر؛ دریای خزر با رودخانه‌هایی که به آن وارد شده یک استخر مهم ماهی برای کشورهای ساحلی است. در این دریا ۱۷ خانواده، ۵۳ جنس و ۱۲۴ گونه یا زیر گونه ماهی وجود دارد. تنها حدود ۴۰ گونه از ماهی‌های دریای خزر از اهمیت اقتصادی برخوردار هستند. منابع ماهی دریای خزر از لحاظ تنوع ذخایر صید یکنواخت نیست. برای مثال کلیکاهای معمولی به طور عادی در بخش‌های باز جنوبی دریای خزر و تاس‌ماهی بیشتر در دلتای رودخانه ولگا و اوران صید می‌گردد (نوبخت، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۷). ماهیان خاویاری (تاس‌ماهیان) از با ارزش‌ترین انواع آبزیان در جهان محسوب می‌گردند که بالغ بر ۲۵۰ میلیون سال قدمت داشته و تقریباً ۹۰ درصد ذخایر این ماهیان در حوزه دریای خزر زندگی می‌کنند. از لحاظ تاریخی ماهیان خاویاری مهم‌ترین بخش شیلات تجاری دریای خزر بوده‌اند (عقیلی نژاد، ۱۳۹۵: ۵). ذخایر ماهیان خاویاری طی دهه‌های اخیر کاهش چشمگیری داشته است. در آغاز قرن بیستم میزان صید ماهیان خاویاری در حدود ۴۰۰۰۰ تن بوده است. با این حال صید ماهیان خاویاری در خلال چند دهه گذشته به طور قابل توجهی کاهش یافته است. حجم صید ماهیان خاویاری در دهه ۷۰ میلادی به حدود ۳۰۰۰۰ تن رسید و پس از یک دوره بهره‌برداری بی‌رویه و افت شدید در میزان ذخایر در سل ۲۰۰۹ به ۲۸۶ تن کاهش یافت (Bronzi and Rosenthal, 2014:1537-1538).

شبکه‌های ارتباطی حمل و نقل در حوزه اقتصادی منطقه دریای خزر؛ با توجه به این که دریای خزر یک دریای بسته محسوب می‌شود، اما از طریق مسیر آبی ولگا-بالتیک^۱ و

^۱. Volga-Baltic Waterway

کانال ولگا-دن^۱ با آب‌های آزاد ارتباط دارد. با توجه به اینکه راه‌های ارتباطی دریای خزر با سایر آب‌های آزاد از نظر کم عمق بودن محدودیت‌های کشتیرانی برای کشتی‌های باری ایجاد می‌نماید، راه‌آهن جایگزین مناسبی است که کشورهای منطقه و همچنین بازیگران فرامنطقه‌ای برای جابه‌جایی کالا و مسافر انتخاب نموده‌اند. افزون بر خطوط راه‌آهن کشورهای ساحلی دریای خزر دو طرح یک جاده-یک کمر بند و راه گذر بین‌المللی شمال-جنوب که توسط بازیگران فرامنطقه‌ای چین و هند حمایت می‌گردد، اهمیت راه‌آهن در حمل و نقل کالا و مسافر را در این منطقه افزایش می‌دهد.

این طرح‌ها با توجه به اینکه از کشورهای منطقه دریای خزر عبور می‌کنند، قطعاً بر مناسبات این کشورها با یکدیگر تاثیر می‌گذارند. برای نمونه می‌توان به متن توافقنامه بین‌دولتی طرح راه‌گذر بین‌المللی شمال-جنوب که در سال ۲۰۰۲ در شهر سنت پترزبورگ بین کشورهای هند، ایران، عمان و روسیه منعقد گردید^۲، اشاره کرد که تمهیدات گمرکی، افزایش ایمنی، همسوسازی سیاست‌ها و استفاده از استانداردهای حمل و نقل یکسان را که لازمه ارتباط ریلی مشترک است را توصیه می‌نماید. این هماهنگی‌های حقوقی و اداری وابستگی متقابل کشورهای عضو در این طرح‌ها را افزایش می‌دهد.

خطوط لوله انتقال انرژی در حوزه اقتصادی منطقه دریای خزر؛ پس از مطالعات اکتشاف و عملیات استخراج موضوع چگونگی انتقال به بازارهای مصرفی یکی از مسائل مهم صنعت نفت و گاز در دریای خزر است. با توجه به یکسان بودن قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی از مجموعه کشورهای تولید کننده کشوری دارای منافع بیشتر خواهد بود که قیمت تمام شده مراحل مختلف تولید تا انتقال به بازار برای آن نسبت به سایر عرضه کنندگان کمتر باشد. هر چند عوامل مختلفی در محاسبه قیمت تمام شده نفت و گاز موثر است، ولی هزینه انتقال یکی از عوامل تعیین کننده قیمت تمام شده این محصولات برای کشور تولید کننده محسوب می‌شود. این هزینه کاملاً به کوتاهی و امنیت مسیر وابسته خواهد بود. تمامی کشورهای ساحلی دریای خزر به جز ایران برای انتقال نفت و گاز حوزه دریایی خود باید از کشورهای دیگر عبور نمایند. ایران با توجه به دسترسی آسان به آب‌های آزاد توسط بنادر

^۱. Volga-Don Canal

^۲. Inter-Governmental Agreement on International "North-South" Transport Corridor, Done in Saint Petersburg city on the 2002/09/12: The Government of India, Iran, Oman, Russian.

جنوبی خود می‌تواند از طریق حمل و نقل دریایی محموله‌های نفتی خود را به تمامی بنادر دنیا منتقل نماید. ولی بهره‌مندی از چنین فرصتی با توجه به تحریم‌های ایالات متحده آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران محقق نشده است (نوبخت، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۱).

خطوط لوله انتقال نفت و گاز منطقه خزر به بازارهای مصرف

مقصد	خط لوله	محتوا	ظرفیت تقریبی	مسیر ترانزیت (مبدأ-مقصد)
بازارهای اروپایی	باکو-تفلیس-جیحان	نفت خام	۱ میلیون بشکه در روز	قزاقستان-آذربایجان-گرجستان-ترکیه
	کنسرسیوم خط لوله کاسپین	نفت خام	۶۴۸ هزار بشکه در روز	قزاقستان-روسیه
	آتیراو-سامارا	نفت خام	۶۰۰ هزار بشکه در روز	قزاقستان-روسیه
	باکو-نوروسیسک	نفت خام	۱۰۰ هزار بشکه در روز	آذربایجان-روسیه
	آسیای مرکزی سیستم خط لوله گاز مرکزی	گاز طبیعی	۲,۲۰۰: شاخه شرقی ۱۲۰: شاخه غربی (میلیارد فوت مکعب)	ترکمنستان-قزاقستان-روسیه
	باکو-تفلیس-ارزروم	گاز طبیعی	۲۸۰ میلیارد فوت مکعب	آذربایجان-گرجستان-ترکیه
	سیستم انتقال گاز ماورای خزر (پیشنهادی)	نفت خام	۳۰۰ هزار بشکه در روز ارتقا تا ۸۰۰	قزاقستان-آذربایجان
بازارهای شرق آسیا	خط لوله قزاقستان-چین	نفت خام	۲۴۰ هزار بشکه در روز ارتقا تا ۴۰۰	قزاقستان-چین
	خط لوله گاز ترکمنستان-چین	گاز طبیعی	۱۴۰۰ میلیارد فوت مکعب	ترکمنستان-ازبکستان-قزاقستان-چین
بازارهای آسیای جنوبی	سواب نفت ایران	نفت خام	۲۰۰ هزار بشکه در روز	قزاقستان-ترکمنستان-آذربایجان-ایران
	ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند (تاپی)	گاز طبیعی	۱۰۰۰ میلیارد فوت مکعب	ترکمنستان-افغانستان-پاکستان-هند

(EIA, 2013: 20-21)

وابستگی‌های متقابل در حوزه اقتصادی و روند همگرایی منطقه

جهت	موضوعات امنیتی سیاسی	میزان تاثیر بر روند همگرایی
تضعیف کننده روند همگرایی	اختلال در عبور و مرور آزاد از دریای خزر به آب های آزاد	۴,۰۴
	مداخله و حضور شرکت های غربی در استخراج نفت و گاز منطقه	۴,۳۲
	عدم تشکیل اتحادیه (کنسرسیوم) مشترک انرژی در حوزه خزر	۴,۱۳
	مخالفت با عبور نفت و گاز از مسیر ترانزیتی ایران	۴,۹۶
	بهره برداری از منابع نفتی در پهنه های مشترک آبی	۴,۱۰
تقویت کننده روند همگرایی	اتصال خطوط راه آهن کشورهای حاشیه دریای خزر به یکدیگر	۴,۵۴
	یکسان سازی استانداردهای حمل و نقل ریلی	۳,۹۲
	تسهیل قوانین گمرکی برای تجارت در بنادر ساحلی دریای خزر	۴,۲۵
	پرورش آبزیان برای حفظ امنیت غذایی کشورهای ساحلی	۳,۷۵

(منبع: نویسندگان)

حوزه اجتماعی در منطقه دریای خزر؛ در حال حاضر از نظر فرهنگی-مذهبی منطقه خزر تحت سیطره دو دین اسلام و مسیحیت قرار دارد. این منطقه در شمال از جانب فدراسیون روسیه با مذهب ارتدوکس مسیحی به عنوان دین غالب این کشور همسایه است. در بقیه نقاط این منطقه و حتی در بخشی از سرزمین روسیه از جمله جمهوری خودمختار داغستان دین اسلام دارای پیروان زیادی است.

جمعیت کشورهای ساحلی دریای خزر و درصد مسلمانان و مسیحیان

کشور	جمعیت	درصد جمعیت مسلمان	درصد جمعیت مسیحی
جمهوری اسلامی ایران	۸۳,۰۲۴,۷۴۵	۹۹,۴	۰,۳
جمهوری آذربایجان	۱۰,۰۴۶,۵۱۶	۹۶,۹	۳
جمهوری ترکمنستان	۵,۴۱۱,۰۱۲	۸۹	۹
جمهوری قزاقستان	۱۸,۷۴۴,۵۴۸	۷۰,۲	۲۶,۲
فدراسیون روسیه	۱۴۲,۱۲۲,۷۷۶	۱۵	۲۲

(CIAFB, 2020)

اما مسئله‌ای که در بخش اجتماعی وابستگی متقابل کشورهای ساحلی دریای خزر را افزایش می‌دهد، مسئله تروریسم و افراط‌گرایی است. گروه‌های افراطی که در برخی از مناطق توسط حکومت مرکزی به حاشیه رانده شده‌اند با توجه به توانایی محدود در به چالش

کشیدن حکومت‌ها از منظر سیاسی برای رسیدن به اهداف جدایی طلبانه خود خطوط لوله انتقال انرژی را تهدید می‌نمایند (Bajrektarevic, 2015:14).

وابستگی‌های متقابل در حوزه اجتماعی و روند همگرایی منطقه

جهت	موضوعات امنیتی اجتماعی	میزان تاثیر بر روند همگرایی
تضعیف کننده روند همگرایی	نفوذ فرهنگ لائیک در جمهوری های تازه استقلال یافته	۳,۷۰
	دولت-ملت سازی بر اساس تفکرهای قومیتی (ناسیونالیستی)	۳,۹۱
تقویت کننده روند همگرایی	تدوین قوانین مهاجرتی در بین کشورهای عضو	۴,۰۴
	گسترش صنعت گردشگری در بین مردمان کشورهای ساحلی	۴,۰۸
	آموزش و پژوهش پیرامون زبان‌های رایج: روسی، ترکی و فارسی	۳,۷۸
	ایجاد گفتگو در بین ادیان و مذاهب حوزه خزر	۳,۴۳
	تسهیل اعطای روادید به شهروندان کشورهای ساحلی	۴,۱۷

(منبع: نویسندگان)

حوزه زیست محیطی در منطقه دریای خزر؛ دریای خزر از آلوده‌ترین دریاچه‌های جهان است. بسیاری از مشکلات سواحل دریای خزر نتیجه فعالیت‌های انسانی در خطوط ساحلی است. شدت تخریب و آسیب‌های وارد شده به دریای خزر و ذخایر آبزیان آن در دو دهه اخیر بسیار شدید و نگران کننده بوده است. افزایش سریع جمعیت شهرها، توسعه مراکز مسکونی و صنعتی در حاشیه رودخانه‌های منتهی به دریای خزر آلودگی آب آن را در پی داشته است. عوامل میکروبی از جمله آلاینده‌هایی به شمار می‌روند که از راه فاضلاب‌های تصفیه نشده به صورت مستقیم یا غیر مستقیم وارد دریای خزر می‌شوند. توسعه زیرساخت‌های فیزیکی شهری با دگرگونی خط ساحلی، بهره‌برداری ناپایدار از منابع شیلات و استفاده بی‌رویه از آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی موجب آلودگی سواحل خزر شده است. همچنین از دیگر عوامل تشدید آلودگی دریای خزر افزایش روند بهره‌برداری منابع نفتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده است. سالانه هزاران تن مواد نفتی وارد دریای خزر می‌شود که تهدیدی جدی برای محیط زیست آن است (کولایی و شایسته، ۱۳۹۳: ۶۸۰ - ۶۸۴).

هریک از تهدیدها، تاثیرات ویژه‌ای را بر حیات طبیعی و انسانی کرانه‌های دریای خزر دارند. بهره‌برداری بی‌رویه از منابع این دریا بدون ملاحظات زیست محیطی نظیر اکتشاف، حفاری و استخراج نفت و گاز، عبور لوله‌های انتقال انرژی از بستر دریا، ورود آلاینده‌ها

(صنعتی، کشاورزی و...)، سدسازی در مسیر رودخانه های منتهی به دریا و انحراف آب های حوضه آبریز این پهنه آبی محیط زیست این دریا را با تهدیدهای متعددی روبرو کرده است. محصور بودن دریای خزر و عدم ارتباط طبیعی این دریا با آب های آزاد موجب پایداری آلاینده ها در این دریا می شود (رمضانی و رومینا و علیزاده و سرور، ۱۳۹۷: ۲۱۷).

وابستگی های متقابل در حوزه زیست محیطی و روند همگرایی منطقه

جهت	موضوعات امنیتی زیست محیطی	میزان تاثیر بر روند همگرایی
تضعیف کننده روند همگرایی	صید بی رویه آبزیان	۳,۷۸
	ورود بی رویه فاضلاب های تصفیه نشده صنعتی و کشاورزی به دریای خزر	۳,۷۸
همگرایی	تخلیه مواد سمی اتمی در دریای خزر ^۱	۴,۲۱
تقویت کننده روند همگرایی	حمایت و حفاظت از سامانه بوم زیستی دریای خزر ^۲	۴
	کنترل آلودگی دریای خزر	۴,۱۳
همگرایی	انجام تحقیقات علمی دریایی در پهنه آبی مشترک ^۳	۳,۸۸
	پیگیری کنوانسیون زیست محیطی رامسر	۳,۷۳

(منبع: نویسندگان)

^۱ تخلیه مواد سمی اتمی در دریای خزر به عنوان یکی از چالش های زیست محیطی دریای خزر برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است. برای مطالعه بیشتر پیرامون چالش های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه رجوع شود به: شمس دولت آبادی، سید محمود رضا و زرگزاده، محمدعلی (۱۳۹۸)، «چالش های دفاعی - امنیتی حوزه دریای خزر از منظر منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی، ۹ (۳۱).

^۲ در ماده ۱۵ وضعیت حقوقی دریای خزر اعضای مجموعه امنیتی دریای خزر متعهد به حمایت و حفاظت از سامانه بوم زیستی دریای خزر و تمام عناصر آن هستند، اعضا باید مشترکا یا منفردا به منظور حفاظت از تنوع زیستی، حمایت، احیاء و مدیریت پایدار و بخردانه منابع زنده دریای خزر و جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر از هر منبع، تمام تدابیر لازم را اتخاذ و با یکدیگر همکاری کنند. هر فعالیتی که موجب لطمه به تنوع زیستی دریای خزر گردد، ممنوع خواهد بود. طرف ها در قبال هر گونه آسیب به سامانه بوم زیستی دریای خزر به موجب موازین حقوق بین الملل مسئول خواهند بود.

^۳ تاکید ماده ۳ وضعیت حقوقی دریای خزر بر تسهیل تحقیقات علمی در زمینه بوم شناسی، حفاظت و استفاده از منابع زنده دریای خزر.

نتیجه گیری

باتوجه به اینکه در این مقاله برای سنجش پایایی نتایج از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، گویه‌هایی که نمره کمتر از ۰,۷ را در این ضریب کسب نموده‌اند در پاسخ به سوال پژوهش حذف می‌گردند. حوزه‌هایی که پایایی لازم را کسب نموده‌اند:

حوزه و جهت	موضوعات امنیتی	ضریب آلفا
تضعیف‌کننده های اجتماعی	نفوذ فرهنگ لائیک در جمهوری‌های تازه استقلال یافته	۰/۶۰۹
	دولت - ملت سازی بر اساس تفکرهای قومیتی (ملی‌گرایی)	
تقویت‌کننده های نظامی	تشکیل نیروی انتظامی مشترک برای حفظ نظم و امنیت دریایی	۰/۵۰۸
	برگزاری مسابقات ورزشی ارتش‌های کشورهای ساحلی	
تقویت‌کننده های سیاسی	پیگیری کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر	
	تنظیم قوانین ترافیک دریایی	
	مبارزه با تروریسم بین‌المللی	۰/۶۵۹
	مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اسلحه	

(منبع: نویسندگان)

نتایج در این مقاله متناظر با نظریه نوکارکردگرایی قرار گرفته است. به‌طوری که موضوعات نظامی و سیاسی که در دسته سیاست‌های علیا قرار دارند برای آنکه در دستور کار همگرایی کشورها قرار گیرند از پایایی لازم برخوردار نشده‌اند. همچنین باتوجه به هنجار بین‌الملل عدم‌مداخله کشورها در مسائل داخلی یکدیگر موضوعات اجتماعی کشورها که اکثراً در حوزه داخلی قرار دارند، نیز معنادار نشده‌اند.

همچنین برای ارتقا ضریب اطمینان باتوجه به اینکه موضوعات امنیتی در طیفی بین ۱ تا ۵ از نظر اهمیت دسته‌بندی شده‌اند، موضوعات امنیتی تضعیف‌کننده روند همگرایی که از نظر تاثیر گذاری امتیازی بیشتر از ۴ را در نظرسنجی کسب نموده‌اند، مدنظر قرار می‌گیرند.

سیاست‌های علیا در منطقه دریای خزر

بخش	رتبه	موضوعات امنیتی	میزان تاثیر
نظامی	۱	اجازه استقرار نیروهای نظامی فرماندهی در کشورهای منطقه	۴,۷۹
	۲	اجازه تاسیس پایگاه نظامی به قدرت‌های فرماندهی	۴,۷۹
	۳	اجرای رزمایش مشترک با قدرت‌های فرماندهی در آب‌های خزر	۴,۴۶
	۴	افزایش هزینه نظامی کشورهای ساحلی	۴
سیاسی	۱	اختلافات مرزی و تقسیم آب و انرژی بین کشورهای منطقه	۴,۳۶
	۲	ایجاد جزایر مصنوعی و تاسیسات دور از ساحل	۴,۰۵
اقتصادی	۱	مخالفت با عبور نفت و گاز از مسیر ترانزیتی ایران	۴,۹۶
	۲	مداخله و حضور شرکت‌های غربی در استخراج نفت و گاز حوزه خزر	۴,۳۲
	۳	عدم تشکیل اتحادیه (کنرسیوم) مشترک انرژی در حوزه خزر	۴,۱۳
	۴	بهره‌برداری از منابع نفتی در پهنه‌های مشترک آبی	۴,۱۰
	۵	اختلال در عبور و مرور آزاد از دریای خزر به آب‌های آزاد	۴,۰۴
زیست محیطی	۱	تخلیه مواد سمی اتمی در دریای خزر	۴,۲۱

(منبع: نویسندگان)

اما سیاست‌های سفلی که دستور کار روندهای همگرایی را مشخص می‌نمایند باید شامل تمام موضوعات امنیتی تقویت کننده روند همگرایی باشد که روایی و پایایی آنها توسط پاسخگویان تایید شده است.

سیاست‌های سفلی در منطقه دریای خزر

بخش	رتبه	موضوعات امنیتی	میزان تاثیر
اقتصادی	۱	اتصال خطوط راه آهن کشورهای حاشیه دریای خزر به یکدیگر	۴,۵۴
	۲	تسهیل قوانین گمرکی برای تجارت در بنادر ساحلی دریای خزر	۴,۲۵
	۳	یکسان سازی استانداردهای حمل و نقل ریلی	۳,۹۲
	۴	پرورش آبزیان برای حفظ امنیت غذایی کشورهای ساحلی	۳,۷۵
اجتماعی	۱	تسهیل اعطای روادید به شهروندان کشورهای ساحلی	۴,۱۷
	۲	گسترش صنعت گردشگری در بین مردمان کشورهای ساحلی	۴,۰۸
	۳	تدوین قوانین مهاجرتی در بین کشورهای عضو	۴,۰۴
	۴	همکاری های آموزشی و پژوهشی برای ترویج زبان های رایج: روسی، ترکی و فارسی	۳,۷۸
	۵	ایجاد گفتگو در بین ادیان و مذاهب حوزه خزر	۳,۴۳
زیست محیطی	۱	کنترل آلودگی دریای خزر	۴,۱۳
	۲	حمایت و حفاظت از سامانه بوم زیستی دریای خزر	۴
	۳	انجام تحقیقات علمی دریایی در پهنه آبی مشترک	۳,۸۸
	۴	پیگیری کنوانسیون زیست محیطی رامسر	۳,۷۳

(منبع: نویسندگان)

دستورکار ارتقا همگرایی در منطقه دریای خزر؛ برای آنکه سیاست‌های سفلی در این منطقه از بستر مناسبی برای در دستورکار قرار گرفتن توسط کشورهای عضو این مجموعه برخوردار شوند به نظر می‌رسد، استفاده از جوامع بین‌دولتی موجود در منطقه باتوجه به چالش‌های علمی و مالی پیش‌روی جوامع تاسیسی مناسب و واقع‌بینانه باشد. از این‌رو در انتها باتوجه به سیاست‌های سفلی در این منطقه دو اجتماع بین‌دولتی که اهدافشان با این سیاست‌ها همپوشانی بیشتری دارد، معرفی می‌گردند.

"موافقت‌نامه همکاری تجاری و اقتصادی بین کشورهای ساحلی خزر"^۱ که در ۱۲ آگوست ۲۰۱۸ در شهر آکتائو در کنار کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به تصویب وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی دریای خزر رسید باتوجه به اینکه دولت‌های ساحلی را به ارتقا و گسترش همکاری تجاری و اقتصادی تشویق می‌نماید، بسیار مفید ارزیابی می‌گردد.

^۱. قابل دسترسی در:

این موافقت نامه باتوجه به اینکه از نظر اعضا تمامی کشورهای ساحلی را شامل می‌شود و از طرف دیگر در حوزه‌های که در این مقاله به عنوان سیاست‌های سفلی شناسایی شده همچون صنعت، کشاورزی، تجارت و گردشگری شکل گرفته می‌تواند در ارتقا همگرایی این منطقه موثر باشد. از جمله مواردی که توسط این موافقت‌نامه ترغیب می‌گردد می‌توان به اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مشترک سرمایه‌گذاری؛ تبادل تجربه در زمینه ایجاد و توسعه مناطق ویژه؛ تبادل تجربه در زمینه‌هایی همچون استاندارد و آمار؛ همکاری در زمینه اقتصاد دیجیتال؛ توسعه همکاری میان مناطق و شهر و تاسیس سرمایه‌گذاری‌های مشترک اشاره کرد.

همچنین سازمان همکاری‌های اقتصادی^۱ به عنوان بهترین سازمان منطقه‌ای موجود برای در دستور کار قراردادن موضوعات امنیتی تقویت کننده روند همگرایی منطقه‌ای معرفی می‌گردد. البته لازم به ذکر است، دعوت از فدراسیون روسیه برای پیوستن به این سازمان می‌تواند عملکرد روندهای همگرایی در این منطقه را بهبود بخشد. از جمله دلایل انتخاب این سازمان می‌توان به چهار نکته اشاره کرد. ۱. چهار کشور از پنج کشور ساحلی دریای خزر عضو این سازمان هستند ۲. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای مهم این مجموعه امنیتی و یکی از بنیان گذاران این سازمان می‌تواند با توجه به منافع کشورهای عضو برای ارتقا همگرایی در این منطقه سیاستگذاری نماید ۳. کشورهای عضو این سازمان نسبت به سازمان همکاری‌های شانگهای^۲ و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی^۳ از توازن قدرت پایدارتری برخوردار هستند و ۴. این سازمان با استفاده از کمیته‌های فنی مانند: کمیته‌های اقتصادی-بازرگانی، کمیته صنعتی و فنی، حمل و نقل، ارتباطات، کشاورزی، علمی و آموزشی و فرهنگی، انرژی، زیربنایی در امور عمومی با توجه به همپوشانی با سیاست‌های سفلی در این منطقه می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در ارتقای همگرایی در حوزه دریای خزر ایفا نماید. همچنین در راستا ارتقا همگرایی منطقه دریای خزر می‌توان از اتحادیه دانشگاه‌های دولتی کشورهای حاشیه دریای خزر^۴ استفاده نمود. این اتحادیه در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی مصادف با ۱۹۹۶ میلادی با حضور روسای دانشگاه گیلان، دانشگاه مازندران و

¹ Economic Corporation Organization (ECO)

² Shanghai Cooperation Organization (SCO)

³ Eurasian Economic Community

⁴ Association of State Universities of Caspian Sea Region Countries (ASUCSRC)

دانشگاه علوم و منابع طبیعی گرگان از ایران، دانشگاه دولتی فنی آستراخان^۱ و دانشگاه دولتی داغستان^۲ از فدراسیون روسیه، دانشگاه آتیرائو قزاقستان^۳ و دانشگاه دولتی باکو^۴ از جمهوری آذربایجان تشکیل شده است. اهم اهداف این اتحادیه که با سیاست‌های سفلی در این منطقه همپوشانی دارد عبارت است از همکاری مشترک فرهنگی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های عضو؛ تبادل اطلاعات در حوزه‌های علوم مربوط به دریای خزر؛ ایجاد بانک اطلاعاتی؛ برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی مشترک؛ انتشار بولتن علمی مشترک به زبان انگلیسی؛ تبادل استاد و دانشجو در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی؛ ایجاد رشته‌های جدید و مرتبط به دریای خزر در دانشگاه‌های اتحادیه و ایجاد تسهیلات لازم جهت ترویج زبان کشورهای عضو اتحادیه. همچنین این اتحادیه با پیگیری این اهداف می‌تواند در اجماع نخبگان کشورهای ساحلی دریای خزر نیز نقش پررنگی ایفا نماید تا در ادامه این فعالیت‌ها مفهوم تسری^۵ به سایر حوزه‌ها انجام بگیرد و مונجر به ارتقا همگرایی در این منطقه گردد.

¹. Astrakhan State Technical University

². Dagestan State University

³. Atyrau University

⁴. Baku State University

⁵. Spill Over

منابع و مأخذ

- امیراحمدیان، بهرام و گودرزی، مهناز (۱۳۸۹)، *دریای خزر منافع روسیه و امنیت ایران*، نشر قومس، تهران.
- دکترین نظامی جمهوری آذربایجان (۲۰۱۰)، *ترجمه بنیاد مطالعات قفقاز*، قابل دسترسی در:
- <http://www.ccsi.ir/prthtmnzd23n6.ft2.html>.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، *نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی*، نشر مخاطب، تهران.
- رضانی، کاظم و رومینا، ابراهیم و علیزاده، عمران و سرور، رحیم (۱۳۹۷)، «تاثیر تهدیدات زیست محیطی بر امنیت ملی (مطالعه موردی: کرانه‌های جنوبی دریای خزر)»، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۸ (۳۱).
- زهرانی، مصطفی و فرجی لوحه سرا، تیمور و تجری، سعید (۱۳۹۴)، «جایگاه راه آهن شرق دریای خزر در همگرایی منطقه‌ای ایران با آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۱ (۸۹).
- شیخ الاسلامی، محمد حسن و حسینی، سید محمد حسین و شیرواند، صارم (۱۳۹۴)، «تاثیر نظامی کردن حوزه دریای خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۱ (۸۹).
- عقیلی‌نژاد، سیدمصطفی (۱۳۹۵)، *رساله جهت اخذ درجه دکتری در رشته تولید و بهره‌برداری آبیان با عنوان "ارزیابی عوامل مؤثر در وقوع صید غیرقانونی ماهیان بخش جنوبی دریای خزر"*، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- فرای، گرگ و اهیگن، جاسینتا (۱۳۹۴)، *تصویرهای متعارض از سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۴)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، نشر میزان، تهران.
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۴)، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، انتشارات سمت، تهران.
- کرسول، جان و پلانوکلاک، ویکی (۱۳۹۸)، *روش‌های پژوهش ترکیبی*، ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی، نشر آبیژ، تهران.
- کریمی‌پور، یدالله و متقی، افشین و امیراحمدیان، بهرام و محمدجانی، مصطفی (۱۳۹۶)، «مدل یابی همگرایی منطقه‌ای مطالعات موردی کشورهای حاشیه دریای خزر»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۷ (۲۸).
- کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر (۱۳۹۷)، قابل دسترسی در:
- <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/31285/>.

- کولایی، الهه و گودرزی، مهناز (۱۳۹۲)، *دریای خزر چالش‌ها و چشم‌اندازها*، نشر میزان، تهران.
- کولایی، الهه و شایسته، مهدی (۱۳۹۳)، «حکمرانی خوب و مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی دریای خزر»، *فصلنامه محیط‌شناسی*، ۳ (۴۰).
- مالیشوا، دینا (۲۰۱۹)، *اوضاع نظامی سیاسی دریای خزر*، ترجمه موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/doc/article/3857/>.

- نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۷)، *دریاچه خزر در قرن بیست‌ویکم (رویکردی اقتصادی-حقوقی)*، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.

- نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۵)، *روش تحقیق پیشرفته*، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

- Aliyev, N. (2017), "Russian Military Presence in Caspian Sea: Protection of National Interests or Military Muscle Flexing?", *Eurasia Daily Monitor*, 14(141), Available at: <http://jamestown.org/program/russian-military-presence-in-caspian-sea-protection-of-national-interests-or-military-muscle-flexing/>, Accessed on: 11 May 2020.

- Bajrektarevic, A. H. (2015), "The Caspian Basin: Legal, Political and Security Concerns, Pipeline Diplomacy and Implications for EU Energy Security", *ARTNeT Working Paper Series*, (149).

- Bronzi, P. and Rosenthal, H., (2014), Present and Future Strugen and Caviar Production and Marketing: a Global Market Overview, *Journal of Applied Ichthyology*, 30 (6).

- CSSE, (2011), *Caspian Sea State of The Environment*, Caspian Environment Programme, Available at:

http://www.tehranconvention.org/IMG/pdf/Caspian_SoE_Eng_fin.pdf, Accessed on: 11 May 2020.

- CIAFB, (2020), *The World Factbook Archive*, Central Intelligence Agency, Availabe at: <https://www.cia.gov/library/publications/resources/the-world-factbook/>, Accessed on: 12 April 2020.

- EIA, (2013). "Overview of oil and natural gas in the Caspian Sea region", *U.S Energy Information Administration*, Available at:

https://www.eia.gov/international/content/analysis/regions_of_interest/Caspian_Sea/caspian_sea.pdf, Accessed on: 12 April 2020.

- GFP, (2020), "2020 Militry Strength Ranking", *Global Fire Power*, Available at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.asp>, Accessed on: 12 April 2020.

- Gussarova, A. (2017), "Kazakhstan Adopts New Military Doctrine", *Eurasia Daily Monitor*, 7 (134), Available at: <https://jamestown.org/program/kazakhstan-adopts-new-military-doctrine/>, Accessed on: 10 April 2020.

- Kuimova, A., and Wezeman, S. (2018), "Russia and Black Sea Security", *SIPRI Background Paper*, 4-8, Available at : https://www.sipri.org/sites/default/files/2018-12/bp_1812_black_sea_russia_0.pdf, Accessed on: 11 May 2020.
- Laruelle, M. and Peyrouse, S. (2009), "The Militarization of the Caspian Sea: "Great Games" and "Small Games" Over the Caspian Fleets", *The China and Eurasia Forum Quarterly*, 2 (7).
- MODORA (2020), "Cooperation with NATO", *Ministry Of Defence Of The Republic Azerbaijan*, Available at: <https://mod.gov.az/en/cooperation-with-nato-028/>, Accessed on: 10 April 2020.
- Muzalevsky, R. (2010), "Turkmenistan's Naval Plan: Promoting its Maritime and Energy Interest", *Eurasia Daily Monitor*, 7 (31), Available at: <https://jamestown.org/program/turkmenistans-naval-plans-promoting-its-maritime-and-energy-interests/>, Accessed on: 26 June 2020.
- SNAT, (2019), "The Armed Forces of Turkmenistan are 27 years", *The State News Agency Of Turkmenistan To Day*, Available at: <http://tdh.gov.tm/news/en/articles.aspx&article16444&cat30>, Accessed on: 10 April 2020.
- Strakes, J. E. (2015), "Azerbaijan and the Non-Aligned Movement: Institutionalizing the "Balanced Foreign Policy" Doctrine", *Istituto Affari Internazionali Working Papers*, (15).
- WBD, (2020), *Military expenditure – Azerbaijan*, The World Bank Data, Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.CD?locations=AZ>, Accessed on: 10 April 2020.
- WDR, (2010), *World Drug Report*, United Nations Office on Drugs and Crime, Available at: <https://www.unodc.org/unodc/en/drug-trafficking/index.html>, Accessed on: 10 April 2020.
- WDR, (2019), *Global Overview of Drug Demand and Supply*, United Nations Office on Drugs and Crime, Available at: https://wdr.unodc.org/wdr2019/prelaunch/WDR19_Booklet_2_DRUG_DEMAND.pdf, Accessed on: 10 April 2020.